

## **Consultation and confrontation of islamic ideas in the formation of the constitution**

### Abstract

The emergence of the islamic revolution about 72 years after the constitutional revolution is due to the inefficiency and failure to meet the demands of the constitutional revolution. Failure to meet the demands and expectations of followers of religious beliefs in the constitutional era will lead to the victory of the islamic revolution. The removal of religious leaders and ideas has led to dissatisfaction among followers of religious ideas for decades. As a result, religious intellectuals ally with traditional religious leaders. Eith the victory of the islamic revolution, the constitution and its amaendments will be overthrown. Then the constitution of the islamic republic was formed with the consultation and consensus of all groups and ideas. The purpose of this article is to show the influence of each group and idea in the formation of the constitution. By studying the library documents, we will examine the main demands of the main groups of the revolution and show their impact on the constitution. We will also show the dominance of religious thought in the constitution of the islamic republic of iran.

Key word: islam, religious thought, islamic revolution, islamic republic, intellectual trends.

**تعاطی و تقابل اندیشه‌های اسلامی در شکل‌گیری قانون اساسی جمهوری اسلامی**احسان بزرگی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۲/۳

محسن حسونند<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۵/۶

احسان آقامحمدآقایی<sup>۳</sup>**چکیده**

بروز انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی به فاصله‌ی قریب هفتاد و دو سال، نشان از ناکارآمدی اندیشه‌ی توفیق یافته و سامانه‌ی برآمده از آن، و برنیامدن آمال و مطالبات طیف عمده‌ی اثرگذار در به ثمر نشستن انقلاب مشروطه دارد. و موجب می‌گردد تا از خاکستر مطالبات برنیامده‌ی جریان مشروطه‌خواهی در عصر مشروطه، ققنوس انقلاب اسلامی برخیزد. به محاق رفتن اندیشه‌ی مشروطه‌خواهی و حذف و هدم رهبران اصلی این جریان موجب بغضی ده‌ها ساله گردیده تا جایی که نواندیشان دینی نیز به خوانخواهی با روحانیت شیعه همراه و هم‌داستان می‌گردند. با پیروزی انقلاب اسلامی، قانون اساسی مشروطه ساقط گردیده و قانون اساسی جمهوری اسلامی با مشورت و تقابل جریان‌های فکری متنوع به تصویب می‌رسد. نمایانند اثر و تقابل نحله‌های فکری موثر در قانون اساسی جمهوری اسلامی، هدف این مقاله می‌باشد. که با استناد به منابع کتابخانه‌ای، رؤس آمال و مطالبات گروه‌های عمده در شکل‌گیری قانون اساسی را ملاحظه و با روند تالیف و تصویب نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی مقایسه نموده و توفیق مشروطه‌خواهی را در کالبد تازه‌ی اسلام‌خواهی خواهیم دید.

کلید واژه: اسلام، اندیشه دینی، انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی، نحله‌های فکری.

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری حقوق عمومی، گروه حقوق، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی تهران شمال، تهران، ایران.

<sup>۲</sup> استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

<sup>۳</sup> استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، برای تهیه و تدوین قانون اساسی که لازمه تثبیت پایه‌های حقوقی نظام سیاسی یک کشور است. پیش‌نویس‌هایی با دیدگاه‌ها و نگرش‌های مختلف نوشته شد که هر کدام از جنبه‌ای، منحصر بفرد و حائز اهمیت هستند. پیش‌نویس پاریس بیانگر آرمان‌گرایی توأم با امکان‌سنجی مرحله اولیه انقلاب اسلامی توسط رهبران انقلاب جهت تحقق نظام جدید سیاسی-اجتماعی مبتنی بر اندیشه سیاسی اسلام است. متن پیش‌نویس قانون اساسی در ایران نیز حاکی از تعاملات روشن‌فکران و حقوق‌دانان ایرانی و حاصل تأمل نسبت به تجارب انقلاب‌های دیگر بویژه جهان سوم و الجزایر است که با حمایت وزیر مشاور در طرح‌های انقلاب انتشار یافت، می‌بایست دیدگاه دولت موقت و نهضت آزادی ایران تلقی کرد که پس از بررسی توسط شورای انقلاب و اصلاح آن و تأیید نهایی توسط امام برای نقد و بررسی منتشر شد.

پس از انتشار آن، انتقادات و منازعات گسترده‌ای از سوی احزاب و گروه‌های سیاسی، روشن‌فکران، مراجع تقلید و علما و روحانیون نسبت به پیش‌نویس قانون اساسی صورت گرفت به طوری که حدود ۶۵ پیش‌نویس و حدود چندین هزار پیشنهاد به دبیرخانه مجلس خبرگان داده شد و کم‌کم نظریه ولایت فقیه به طور روشن‌تری از طرف نمایندگان گفتمان فقه‌ای مطرح شد که باعث نزاع و رقابت در بین گفتمان‌های مختلف قرار گرفت.

با تشکیل مجلس خبرگان قانون اساسی، در میان نمایندگان این مجلس دیدگاه‌های مختلفی وجود داشت؛ از فقه‌های سنتی تا روشن‌فکران و افراد تحصیل‌کرده علوم دقیقه. آنان در بحث‌های خود مسایل مهمی را طرح و بررسی کردند. فضای انقلابی و آرمان‌های بزرگ آن در ذهن و زبان نمایندگان مجلس کاملاً احساس می‌شود. اقتضایات واقعی طرح حکومت اسلامی بدلیل این فضای خاص تا حدود زیادی کنار می‌رود و عدم پذیرش ماهیت قدرت‌محورانه سیاست جدید از سوی نهضت انقلابی باعث می‌شود تا دولت جمهوری اسلامی ایران در قالب عقیده «امت واحده» ماموریت سیاست‌گذاری کلان را برای اتحاد ملل اسلامی و وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام، پیدا کند. (اصل ۱۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی) ماموریتی که به لحاظ مبانی و ساز و کار، در وهله اول بسیار گسترده‌تر از معنا و مفهوم دولت‌های ملی (Nation - state) است. همین رویکرد در برخی دیگر از اصول قابل مشاهده است. علاوه بر اختلاف در اصول قانون اساسی، بحث بر سر چگونگی تصویب و تدوین نهایی پیش‌نویس نیز اختلاف‌نظرها و واکنش‌هایی را بدنبال داشت.

در این مقاله تنوع خاستگاه‌های فکری و گروه‌های سیاسی در پرتو تعاطی و تقابل این اندیشه‌ها در شکل‌گیری قانون اساسی بررسی می‌شود. که به طور عمده به چند دسته (روحانیت شیعه، آموزه‌های سوسیالیسم و گروه‌های سیاسی آن‌ها، گروه‌های ملی‌گرا و گروه‌ها و آموزه‌های التقاطی) تقسیم می‌شوند.

## ۱- اسلام، فقه شیعه و روحانیت در قانون اساسی

با تأیید و تثبیت نظام جمهوری اسلامی و نهایی شدن پیش‌نویس قانون اساسی زمینه اجرایی شدن آن فراهم شد. امام خمینی مایل بود این مرحله با سرعت بیشتری پیگیری شود. اما در این میان بحث اصلی چگونگی تأیید

پیش‌نویس قانون اساسی مصوب شورای انقلاب بود. در حکم نخست‌وزیری مهندس بازرگان از سوی امام به تشکیل مجلس موسسان برای تدوین قانون اساسی اشاره شده بود. (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۳، ۲۹۴)

اما پیش از این پیش‌نویس‌هایی برای قانون اساسی تهیه شده بود. حسن حبیبی بر اساس ماموریتی که از جانب رهبر انقلاب یافته بود، نخستین یادداشت‌ها را در قالب پیش‌نویس قانون اساسی جمع‌آوری نمود (خجسته رحیمی، ۱۳۸۷، ۶۹)

قانون اساسی مهم‌ترین قانونی است که می‌تواند در حوزه تمدن‌سازی نقش برجسته ایفا کند، ولی این توانمندی و نقش‌آفرینی فقط از ساختاری بر می‌آید که بر عقلانیت، تجربه و هم‌نوایی با ارزش‌های اجتماعی عصری مبتنی باشد. تردیدی نیست ارزش‌های والای دینی و اخلاقی هم فقط در حکمرانی‌های خردبنیاد و کارآمد قابل توسعه است، و الا، ساختارهای سیاسی نارکارآمد و ناتوانی که دانش و توانمندی تامین معاش مردم و کمال مادی آنها را نداشته باشند، هرگز نمی‌توانند معاد سعادت‌مند، اخلاقیات صحیح و کمال معنوی آنها را نیز تضمین کنند و خواسته یا ناخواسته، جامعه را هم به هبوط دینی و اخلاقی خواهد کشاند (گرگی‌ازندریانی، ۱۳۹۹، ۵۲).

اسلام از سوی متفکران مسلمان، در بردارنده عناصر گوناگون نظری و عملی دانسته شده است که زیر سه عنوان «اعتقادات، اخلاق و احکام» معرفی می‌شوند. بی‌گمان، با توجه به چیستی قانون اساسی و احکام نظام حقوقی، قاعدتاً باید بخش‌های انگار اسلام که برای سده‌های متوالی عنوان اصلی فقه را به خود گرفته است، مدنظر بوده باشد. با این حال، تذکره نکته لازم می‌نماید. یکم، محور بودن احکام، به معنای بی‌توجهی به مبانی کلامی آنها نیست. دوم، قانونگذار اساسی نمی‌توانسته هر سه عنوان پیش‌گفته را اراده کرده باشد؛ چرا که حتی در صورت وجود چنین اراده‌ای، اجرای اعتقادات و اخلاق (به معنای مضیق کلمه) اسلامی در سطح ملی باید بالمال بر اصول اسلامی ذحکومت عادل بنا شوند. دلیل ادعای اخیر آن است که اجرای همه‌گیر هر باور و دیدگاهی ناگزیر آن را وارد عرصه‌ی الزام قواعد بر جامعه و سیاست می‌کند که باید در هسته‌ی سخت نظریه و نظام عدالت تبیین و توجیه شود. نظریه و نظام حاکم بر قدرت سیاسی، از عهد باستان تاکنون، همواره عدالت بوده است و هر ادعا و اقدامی در این قلمرو باید در این چارچوب موجه شود. سوم، از آنجا که اصل اسلامیت در سند قانون اساسی درج شده است، نویسندگان آن ناگزیر باید به آن بخش از اسلام بیاندیشند که می‌تواند ماده تدوین و تاسیس ساختارهای بنیادین جامعه سیاسی و تعیین مقدرات زندگی همه ملت و حقوق و تکالیفشان باشد. مواد تشکیل دهنده ساختارهای یاد شده بی‌گمان همان اصول عدالت‌اند (راسخ، در جلالی، ۱۳۹۸، ۲۱۷).

یک قانون اساسی قابل دفاع باید مبنای فکری و فلسفی خود را مشخص کند و بر آن اساس به استخراج مواد قانونی بپردازد و این همان کاری است که متفکران بنیان‌گذار حکومت‌های مدرن با نگاه به سنت فکری و فرهنگی خود انجام داده‌اند (مسعودی، ۱۳۹۹، ۱۳۵)

پیش‌نویس قانون اساسی که با همکاری روشن‌فکران انقلابی و مساعدت نوگرایان دینی سامان یافته بود و به تصویب شورای انقلاب و امام‌خمينی رسیده بود مجادلات نظری را فراهم آورد.

محور مباحثات فکری در خصوص قانون اساسی؛ نحوه تلفیق و سازگاری اسلام و جمهوریت، حدود آزادی‌های فردی و اجتماعی، آزادی مطبوعات، احزاب و گروه‌های سیاسی و چهارچوب‌های نظام اقتصادی بود. مهم‌ترین محور این مباحثات پیرامون نظام امامت بود که در آستانه مجلس خبرگان به صورت بی‌سابقه‌ای رخ نمایاند.

امام‌خمينی که پیش‌نویس قانون اساسی را پذیرفته و نظرات علما را در حد علمای تراز اول مشروطیت تلقی کرده بودند اعمال ولایت را در همین حد، حداقل برای آن مقطع تحقق یافتنی می‌دانستند؛ (کیهان، ۱۳۵۸/۳/۴، ۴) لیکن با تحرک سنت‌گرایان و بویژه مراجع تقلید-غیر از شریعتمداری - موضوع روند جدیدی یافت.

بحث پیش‌نویس قانون اساسی یکی از مباحث جدی بین مراجع تقلید مستقر در قم بود. بحث و اعلام نظر پیرامون این پیش‌نویس تا آن حد حیاتی تلقی شد که مستلزم یک جلسه فوق‌العاده بین مراجع سه‌گانه قم (آیت‌الله مرعشی نجفی، گلپایگانی و شریعتمداری) و رهبری انقلاب در تاریخ ۵۸/۳/۲۹ بود و مراجع بلافاصله در آستانه انتخابات خبرگان ضرورت انتشار بیانیه و اطلاعیه‌هایی را احساس کردند و به دلیل نقش مهمی که مراجع در بین مردم داشتند این اظهارنظرها می‌توانست تأثیرات مهمی را بر تدوین قانون اساسی بگذارد. نقدهای پیش‌نویس از طرف علمای شیعه و فضلالی حوزه علمیه قم تقریباً در طی یک ماه به طور مستمر انتشار می‌یافت که به اهم آنها می‌پردازم.

#### ۱-۱- امام‌خمينی

امام‌خمينی در حد فاصل انتشار پیش‌نویس تا شروع به کار مجلس خبرگان در تبیین نظام آتی جمهوری اسلامی تنها به بحث پیرامون کلیات و محتوای اسلامی اشاره کردند. حتی در بیانیه صریح خود در افتتاح مجلس خبرگان به بیش از تطبیق مصوبات با اسلام شیعی نپرداختند. (صورت مشروح، ۱۳۶۴، ۱۲)

هر چند اسناد موجود در زمینه دلایل مواضع امام‌خمينی مطلب قابل توجه‌ای ندارند. لیکن به نظر می‌رسد یا امام‌خمينی این منظور را از طریق دیگری همچنان‌که در مورد نمایندگان خبرگان بعداً معلوم شد در حال پیگیری بودند و یا تقیه می‌کردند. و یا به جهت پیامدهای آن در بین مراجع شیعه به صلاح نمی‌دانستند و در نهایت آن‌که دستیابی به آن را در مراحل اولیه و ماه‌های آغازین انقلاب دست نیافتنی تلقی می‌کردند؛ زیرا مواضع بعدی ایشان نشان داد که مصوبه مجلس خبرگان نیز برای مقصود ایشان کافی نیست. (قلفی، ۱۳۸۴، ۴۱۹)

ایشان در نخستین موضع‌گیری پس از انتشار پیش‌نویس قانون اساسی فرمودند: «مسیر ما اسلام است؛ ما اسلام می‌خواهیم... آزادی و استقلال بی‌اسلام به چه دردمان می‌خورد؟» (خمينی، ۱۳۷۸، ۴۵۹)

ایشان همچنین خواستار تحقق محتوای اسلامی جمهوری اسلامی و پرهیز از الگوی غربی برای آن شدند و می‌گوید: «ما می‌خواهیم یک مملکت اسلامی درست کنیم، ما نمی‌خواهیم یک مملکت غربی درست کنیم». امام‌خمينی با نفی الگوهای غربی می‌گوید: «باید بنشینیم حساب کنیم ببینیم که آیا این پیشرفت‌ها رو به تمدن دارد می‌رود یا رو به توحش دارد می‌رود» (خمينی، ۱۳۷۸، ۱۹۱) و می‌افزاید: «غرب حیوان بار می‌آورد. آنهم نه

حیوان آرام، یک حیوان وحشی! آدمخوار! پیشرفت، پیشرفت انسانی نیست». (خمینی، ۱۳۷۸، ۹۵) سپس به موضع اثباتی اسلام پرداخته می‌فرماید: «اسلام آمده است که این طبیعت را بکشد طرف روحانیت». (خمینی، ۱۳۷۸، ۴۱۵) و نیز: «اگر اسلام در ایران پیاده شود، الگوی دموکراسی واقعی و آزادی واقعی تجسم خواهد یافت». (خمینی، ۱۳۷۸، ۱۴۶)

امام خمینی معتقد بود تمدن غرب بشر را به سمت گمراهی و ضلالت سوق می‌دهد. لذا او به دنبال امتزاج و سازگاری میان دموکراسی و اسلام در چارچوب یک نظام سیاسی و حکومتی بود. و تبیین این ساختار جدید حکومتی از منظر یک فقیه شیعی قابل توجه است.

ایشان می‌گوید: «اما جمهوری، به همان معنایی است که همه جا جمهوری است. لکن این جمهوری بر یک قانون اساسی متکی است که قانون اسلام است. اینکه ما جمهوری اسلامی می‌گوئیم برای این است که هم شرایط منتخب و هم احکام که در ایران جاری می‌شود اینها بر اسلام متکی است، لکن انتخاب با ملت است و طرز جمهوری هم همان جمهوری است که همه جا هست». (خمینی، ۱۳۷۸، ۴۷۹)

بنابراین امام خمینی صرفاً به تبیین ماهیت اسلامی نظام حکومتی به دور از غرب‌زدگی و واپسگرایی پرداختند و اشاره‌ای به ذکر اصل ولایت فقیه و نظام امامت در متن پیش‌نویس قانون اساسی نداشتند. با این‌که بدیهی است که ایشان اصل ولایت فقیه را به‌عنوان یک اصل مسلم و قطعی تشیع در عصر غیبت کبری از سال ۱۳۲۳ در کتاب کشف‌الاسرار مطرح نمودند و در سال ۱۳۴۸ در نجف به تفصیل پیرامون آن مطالبی را بیان داشتند که در حقیقت بیانگر نظام آرمانی او در عصر غیبت محسوب می‌شود. اما در این مقطع و آن هم در پیش‌نویس قانون اساسی اشاره‌ای نداشته‌اند. البته بعد از اینکه توسط مراجع و علما مطرح شد بطور جدی و در حد اعلی از آن حمایت کردند و حتی آن مقداری که در قانون اساسی آمده بود ایشان را قانع نکرده بود.

با توجه به جایگاه رهبری معنوی امام خمینی و نظارت عالی‌ه ایشان بر روند امور در دولت تازه تاسیس، تصویب قانون اساسی در چارچوبه‌ای تئوکراتیک مشروعیت و موجودیت می‌یابد؛ امری که در نظام‌های مشروطه تا آن زمان نادر بوده است (شریف‌شاهی، ۱۳۹۹، ۳۹۱)

## ۲-۱- آیت‌الله گلپایگانی (ره)

آیت‌الله گلپایگانی - به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین مراجع شیعی - در روز ۳۰ خرداد ۵۸ بیانیه‌ای منتشر نمودند. (جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۳/۳۰، ۲) که مواضع خود را در قبال پیش‌نویس قانون اساسی بیان نمودند. بخش‌هایی از این بیانیه که توسط همفکران وی در مجلس خبرگان تعقیب شد به شرح ذیل بود:

«اکنون هم متن پیش‌نویس قانون اساسی در معرض افکار و نظرخواهی گذارده شده است که باید نارسایی‌های آن مرتفع و تطبیق آن با ضوابط اسلامی کامل گردد.»

فلسفه تدوین قانون اساسی در کشور ما که اکثریت آن معتقد و متدین به احکام اسلام و مذهب تشیع هستند این است که بر اساس ضوابط اسلامی در بینش تشیع در تمام امور خط و مشی ثابت مملکت اعلام گردد... در واقع قانون اساسی صورت تفصیلی رأی ملت مسلمان به نظام اسلام به‌عنوان جمهوری اسلامی است بدیهی است شرح و تفصیل چیزی غیر از اصل و متن آن نباید باشد.

چنین که از بعضی مواد این پیش‌نویس هم معلوم می‌شود به واسطه فاصله‌ای که در دوران استبدادی و ۵۴ ساله اخیر میان مردم و فرهنگ اسلام ایجاد شد تحت تأثیر یکی از دو فرهنگ شرق و غرب ناخودآگاه بر آنند که آنچه در مملکت به‌عنوان نظام مقرر می‌شود باید یا تقلید از نظامات غربی و یا نظام شرقی می‌باشد... اینک توجه ندارند که نظام اسلام خود در برابر نظام‌های دیگر یک نظام است که نمی‌شود آن را با هیچ نظام دیگر تلفیق کرد و به هم ریخت و نباید آثار نظام‌های غربی و شرقی در قانون اساسی ظاهر شود. این ضعفی که در اثر آن هنوز هم پس از این انقلاب اسلامی در بسیاری هست که تصور می‌کنند باید آنچه طرح می‌شود مورد قبول دنیای خارج از اسلام و حقوق‌دانان غیر مسلمان و غیر متعهد با حاکمیت خدا باشد مرتفع شود و نباید آثار آن در قانون اساسی ظاهر شود.

نظام ما نظام خدا و نظام قرآن و نظام حقوق و کرامت انسانی است هر تحریفی که بشود جایز نیست و اگر یک ماده با مبانی اسلامی مخالف باشد نظام اسلامی نیست.

اینجانب از الان ابلاغ می‌کنم اگر قانون اساسی به طور کامل طبق قوانین شرع تدوین نشود و مسأله اتکای حکومت به نظام امامت و ولایت فقیه در آن روشن نشود حکومت بر اساس آن طاغوتی و ظالمانه خواهد بود.

باید عنایت این انقلاب و نظام حاکم بر نظام امامت متکی و به منبع آن متصل شود تا قوا همه در یک مسیر واقع شود». (جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۴/۳۱، ۲)

این بیانیه پایان بخش منازعات یک ماهه نیروهای موافق و مخالف بود و مستمسکی خدشه‌ناپذیر در طرح نظریه ولایت فقیه از نخستین جلسه مجلس خبرگان تا پایان آن شد.

آیت‌الله گلپایگانی همچنین می‌گفتند حتماً باید در قانون ذکر رئیس‌جمهور مرد و شیعه اثنی‌عشری باشد و اگر این تغییرات در قانون اساسی انجام نشود شیخ فضل‌الله انقلاب خواهد شد. (شادلو، ۱۳۸۶، ۳۱)

### ۳-۲- آیت‌الله مرعشی نجفی

آیت‌الله مرعشی نجفی در قالب یک جزوه نظرات و دیدگاه‌های خود را پیرامون پیش‌نویس قانون اساسی بیان کرده است. این جزوه با عنوان: «نظرات اصلاحی حضرت آیت‌الله مرعشی نجفی (ره) درباره پیش‌نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» در تاریخ ۲۱ شعبان ۱۳۹۹ (ه.ق) در قم منتشر شد. (عمیدزنجانی، ۱۳۵۸، ۱۷۴) که شامل دو قسمت: اصلاحات پیشنهادی و اصول اضافی می‌باشد.

## الف- اصلاحات پیشنهادی

۱. واژه‌هایی مانند «نظام توحیدی»، «جامعه توحیدی»، «فقه پویا»، «هرگونه تبعیض»، «حقوق برابر»، «استثمار» و نظایر آن‌ها که ممکن است به معانی مختلف قابل تفسیر باشد، به واژه‌های صریح تبدیل شود؛
۲. آرای عمومی به‌عنوان مبنای حکومت بر اساس حاکمیت قوانین اسلام و منطبق با ولایت فقها تبیین گردد تا حاکمیت مردم بر پایه حاکمیت اسلام باشد.
۳. به نام آزادی به احکام و مبانی اسلامی خدشه وارد نیاید.
۴. حمایت از مستضعفان به مستضعفان مسلمان اختصاص یابد.
۵. در خصوص آموزش و پرورش به میزان مفید اکتفا و بر تعلیم و تربیت اسلامی تأکید شود و به جای تعلیم و تربیت دختران، اهمیت آن ذکر شود و تعلیم و تربیت در کلیه مدارس تابع مقررات عمومی باشد.
۶. در مورد مذهب رسمی به‌عنوان «اثنی‌عشری» و احترام به سایر مذاهب اسلامی تأکید شود.
۷. قوه قضائیه زیر نظر فقها و علمای واجد شرایط قضاوت باشد.
۸. قوانین مصوب، پس از بررسی انطباق آن‌ها با موازین اسلامی به توشیح رییس جمهور جهت اجرا برسد.
۹. در مواردی که «به حکم قانون» آمده به «حکم شرع» تبدیل شود.
۱۰. در محدودیت‌های مطبوعاتی، ممنوعیت توهین به مراجع تقلید و تکذیب اصول مسلم فقه افزوده شود.
۱۱. کلیه آزادی‌های مندرج در قانون اساسی با جمله «در حدی که مخل به مبانی اسلامی نباشد». محدود گردد.
۱۲. در اصل مربوط به تابعیت، جمله «دولت دیگری تابعیت آن‌ها را بپذیرد» حذف شود.
۱۳. محدودیت در مالکیت شخصی تنها به موارد ممنوع در شرع محدود گردد.
۱۴. به جای واژه اموال عمومی که در اصل ۴۶ پیش‌نویس آمده، از واژه انفال استفاده شود.
۱۵. در مواردی که مصادره اموال خصوصی اشخاص پیش‌بینی شده، باید به حکم حاکم شرع و تحصیل رضایت مالک قید شود.
۱۶. در کلیه موارد قانون‌گذاری، انطباق با موازین شرعی که توسط فقها اعلام می‌شود، به‌عنوان قید لازم آورده شود.
۱۷. به جای واژه تفویض قانون‌گذاری از سوی مجلس کلمه نیابت آورده شود.



۱۸. هرگونه تغییرات در خطوط مرزی کشور به صورتی محدود گردد که به استقلال و تمامیت ارضی زیان‌آور نباشد.
۱۹. اعطای امتیاز انحصار، مخالف آزادی همگانی و موجب برتری ناروا است و باید تجدیدنظر یا حذف گردد.
۲۰. کارشناسان خارجی در صورت تصویب آن‌ها توسط مجلس نباید به نفع دولت متبوع خود یا دیگران فعالیت نمایند.
۲۱. اصل لزوم انطباق قانونی با موازین شرعی با نظارت فقها باید اصل غیر قابل تغییر تلقی گردد.
۲۲. کلمه جنگ در قانون اساسی باید به جنگ با بیگانگان محدود شود.
۲۳. رئیس‌جمهور بالاترین مقام رسمی است، در صورتی که نیابت وی از سوی فقها تنفیذ گردد.
۲۴. در شرایط رئیس‌جمهور، شیعه اثنی‌عشری بودن اضافه شود و در خصوص کاندیداهای ریاست‌جمهوری قبل از انتخابات صلاحیت آن‌ها احراز شود.
۲۵. در سوگند رئیس‌جمهور پاسداری از جمهوری آورده شود و بر انتساب قدرت ریاست‌جمهوری بر تنفیذ فقها افزون بر ملت تأکید شود.
۲۶. هر کجا در قانون اساسی کلمه «قانون اساسی» آمده به قانون جمهوری اسلامی تغییر یابد.
۲۷. در انتخاب نخست‌وزیر موافقت فقها به نحوی ملحوظ گردد.
۲۸. هر کجا کلمه رئیس‌جمهور در قانون اساسی آورده می‌شود، با پسوند اسلامی همراه باشد.
۲۹. در پیش‌نویس قانون اساسی اختیاراتی به رئیس‌جمهور در دوره فترت و فقدان قوه مقننه داده شده بود که پیشنهاد اصلاح آن چنین بود که تصمیمات رییس‌جمهور مخالف قانون اساسی نباشد (اصول ۹۳ و ۹۶ پیش‌نویس)
۳۰. رئیس‌جمهور در صورت بروز و اثبات خیانت وی نسبت به مبانی و اصول مسلم اسلامی، محاکمه شود.
۳۱. شرایط رییس‌جمهور در خصوص نخست‌وزیر نیز اعمال می‌گردد.
۳۲. در اتهامات نخست‌وزیر، توطئه بر علیه مبانی و اصول مسلم اسلامی اضافه شود.
۳۳. گزارش دیوان محاسبات باید به اطلاع عموم مردم برسد.
۳۴. در وظیفه قضات نسبت به مراجعه به شرع، عرف و عادت، فتاوی فقها و مراجع تقلید نیز آورده شود.

۳۵. تعداد اعضای فقها شورای نگهبان باید برابر تعداد حقوق‌دانان شورا باشد.

۳۶. فقها شورای نگهبان باید شیعه اثنی‌عشری و عادل باشند و قضات دیوان عالی کشور که حقوق‌دانان را معرفی می‌کنند (بر اساس پیش‌نویس) باید آشنا به مبانی اسلامی باشند و همچنین حقوق‌دانان شورای نگهبان باید با مبانی اسلامی آشنایی داشته باشند.

۳۷. در خصوص مدت عضویت اعضای شورای نگهبان که در پیش‌نویس، ده سال آمده بود، به هشت سال تقلیل یابد.

۳۸. جایگاه شورای نگهبان باید منطبق با آراء و فتاوی مراجع تقلید باشد.

۳۹. آرای شورای نگهبان باید منطبق با آراء و فتاوی مراجع تقلید باشد.

۴۰. در پیش‌نویس قانون اساسی اصلی به تجدیدنظر اختصاص یافته بود، اصول اساسی که مربوط به اسلامیت نظام است غیر قابل تجدیدنظر شمرده شود.

#### ب- اصول اضافی

در پایان جزوه نظرهای اصلاحی حضرت آیت‌الله مرعشی نجفی (ره) پیشنهاد شده بود که پنج اصل به شرح ذیل به پیش‌نویس قانون اساسی اضافه شود.

۱. اصل ولایت فقیه جامع‌الشرایط.

۲. حق رد مصوبات مجلس برای مراجع تقلید در صورت احراز مخالفت با موازین اسلامی.

۳. موافقت مراجع تقلید با انتخاب رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر.

۴. تشکیل سازمان نظارت در کلیه دوایر و موسسات دولتی و اداره آن توسط روحانیت.

۵. تعهد صریح نمایندگان مجلس و وزراء نسبت به اجرای احکام اسلامی و جرم شناخته شدن تخلف از آن. (جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۴/۳۱، ۲)

اهم موارد این جزوه به طور ملموسی در تدوین نهایی قانون اساسی نمود پیدا کرد.

#### ۴-۱- آیت‌الله شریعتمداری

آیت‌الله شریعتمداری نسبت به کلیت جریان روحانیت مواضع متفاوت و بعضاً تنش‌زایی را در طی روند انقلاب اسلامی و نسبت به قانون اساسی مشروطیت، پیش‌نویس قانون اساسی و قانون اساسی مصوب مجلس خبرگان رویکردی مخالف با جریان غالب انقلاب داشته است.

مرور مواضع آیت‌الله شریعتمداری - به‌عنوان تنها صدای مخالف از درون جامعه روحانیت و مراجع - قابل تأمل است. آیت‌الله شریعتمداری پس از جلسه بسیار مهم مراجع چهارگانه در قم اطلاعیه‌ای کوتاه را صادر نمود. لیکن مواضع اصلی وی را می‌بایست در مصاحبه وی در مرداد ۱۳۵۸ جستجو کرد.

در این مصاحبه وی نقد اساسی خود را نسبت به پیش‌نویس و تبیین چهارچوب‌های اصلی تدوین قانون اساسی بیان می‌کند که گزیده‌هایی از آن عبارت بود از:

«پس از پیروزی انقلاب و موقعی که بحث قانون اساسی جدید مطرح بود و در همان ایام ما این نظر را دادیم که بهتر است قانون اساسی قبلی (قانون اساسی مشروطیت) محفوظ بماند و فقط مواد مربوط به رژیم سلطنتی از آن حذف شود و به جای آن مواد مربوط به جمهوری اسلامی جایگزین گردد.

در این صورت قهراً هم زحمت کمتر می‌شود و هم در این موقع که احتیاج بیشتری به حفظ وحدت و یکپارچگی عمومی است موجب گلایه و رنجیدگی و احیاناً بهانه‌جویی و تشنج نمی‌شود». (جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۴/۲، ۳)

فحوای کلام آیت‌الله شریعتمداری به خوبی تنازع و تقابل را بین ایشان و سایر جریان روحانیت نشان می‌دهد. به نحوی که با ناخشنودی در ادامه می‌گوید:

بدین ترتیب از مسائل پشت پرده و منازعات گفتمانی گروه‌های مختلف روحانی در مبارزات انتخاباتی مجلس خبرگان پرده بر می‌دارد. ولی سپس با بی‌میلی که از کلمات وی مشخص می‌شود، می‌گوید:

«اکنون که قرار است قانون اساسی جدید نوشته شود می‌بایست موارد ذیل مورد توجه قرار گیرد:

۱. در استخدام کلمات و لغات باید با دقت و مهارت عمل نمود؛
۲. از آنجا که قانون اساسی جنبه سندیت دارد لذا موارد آن می‌بایست روشن و صریح نوشته شود؛
۳. باید دقت کافی به عمل آید که آنچه را که خارج از قانون است خواه سیاسی، خواه اخلاقی یا تاریخی اگر چه حق و حقیقت باشد در ردیف مواد قانونی قرار نگیرد؛ زیرا ممکن است چیزی را که برای بیان حقیقتی نوشته شده اشتباهاً به جای قانون از آن استفاده می‌شود.

و متذکر می‌شود: در پیش‌نویس که قبلاً برای ما فرستاده بودند این ایراد در آن وجود داشت.

۴. نباید در میان مواد قانونی اساسی چیزی بر خلاف اسلام و مذهب جعفری گنجانده شود.

۵. قانون اساسی باید آنچنان دقیق و حساب شده تدوین گردد که از لحاظ حقوق و قوانین بین الملل نیز مورد اشکال قرار نگیرد.

۶. ترکیب در تلفیق مواد به گونه‌ای باشد که امکان پیشرفت و ترقی و تعالی اسلام و مملکت را فراهم کند.

شریعتمداری همچنین در خصوص اختلافات مطرح شده می‌گوید:

«این مغرضان هستند که از کاه کوهی می‌سازند و امکان ندارد در اصول بین مراجع اختلاف می‌باشد و اگر هم زمانی اختلاف در فروع به وجود آید مراجع با مشورت با هم آن اختلاف را حل خواهند کرد». (جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۴/۲، ۲)

### ۱-۵- علما و روحانیون

پس از نقد مراجع، مواضع روحانیون و علمای شیعه در خصوص پیش‌نویس قانون اساسی با توجه به آرمان‌خواهی شیعی شکل تازه‌ای به خود می‌گیرد.

آیت‌الله منتظری از رهبران روحانی انقلاب و از نزدیکان به امام خمینی و رئیس مجلس خبرگان، برجسته‌ترین روحانی بود که به صورت مشروح به نقد پیش‌نویس قانون اساسی پرداخت. وی پس از بحث مقدماتی در خصوص قانون اساسی از منظر یک عالم شیعی به طور جزئی یک‌یک مواد مورد نظر را مورد نقد قرار داده و طی دو پیام دیدگاه‌های خود را مطرح ساخت. ایشان از اولین کسانی بود که به صورت محدود ابتدا بعد از انتشار پیش‌نویس بحث ولایت فقیه را مطرح نمود. او می‌گوید:

«حکومت و قضاوت و تشخیص قوانین کلی و جعل قوانین و مقررات جزئی در زمان غیبت ولی عصر (عج) به فقیه عادل آشنا به حوادث و مسائل روز تفویض شده است»؛ و ادامه می‌دهد: «حکومت و قانون باید به فقهای عادل و آشنا به حوادث روز باشد منتهی شود». و در مورد ساختار قدرت در ایران اسلامی و نقد پیش‌نویس می‌گوید: «سه قوه مقننه و مجریه و قضاییه از یکدیگر جدا نمی‌باشند و هر سه به فقیه عادل آشنا به مسائل روز منتهی می‌شوند و اگر بناست که رابط آن‌ها رئیس‌جمهور باشد پس باید رییس‌جمهور فقیه عادل یا منصوب از ناحیه او باشد». در مورد نمایندگان مجلس هم نظر بدیعی ارائه می‌کند و می‌گوید: «نمایندگان مجلس که قوه مقننه می‌باشند یا باید خودشان فقیه عادل و آشنا به مسائل روز باشند و یا قانونی را که تصویب می‌کنند باید به نظر فقیه عادل برسد و او تصویب کند». (جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۳/۳۰، ۲)

آیت‌الله منتظری در خاطرات خود می‌گوید که شخصیت معنوی امام و نفوذ گسترده ایشان در اعطای اختیارات وسیع به رهبری موثر بود (منتظری، ۱۳۹۰، ۳۵).

آیت‌الله منتظری در مورد اصل ۸۲ در ارتباط با سوگند رییس‌جمهور با نقد این بیان که گفته «قدرتی را که ملت به‌عنوان امانتی مقدس به من سپرده» با توجه به مجتهد و فقیه عادل بودن رئیس‌جمهور یا تعیین شده از جانب او»

متن سوگند باید اینچنین اصلاح شود و گفته شود: «قدرتی را که از ناحیه ائمه اطهار و یا از ناحیه رهبری مذهبی و با تأیید ملت به‌عنوان امانتی مقدس به من سپرده شده است». وی همچنین توشیح قوانین را موکول به مجتهد یا تأیید رئیس‌جمهور مجتهد و یا رئیس‌جمهور تعیین شده توسط مجتهد می‌داند. ایشان در بخش دیگری از نقد خود نسبت به پیش‌نویس، اکتفای ویژگی رئیس‌جمهور به کسب رای اکثریت مردم را بسیار عجیب دانسته و خواستار افزودن ویژگی‌های چون: مسلمان بودن، عدالت و تقوا، فقیه عادل، شیعه بودن - با توجه به مذهب اکثریت قاطع ملت ایران - گردید. وی حتی در نقد اصل ۱۱۶ نیز خواستار آن است که نخست‌وزیر نیز مسلمان شیعه، آشنا به اسلام و دارای تقوا و حسن سابقه و باسواد باشد. در مورد نیروهای نظامی، منتظری خواستار تکمیل اصل ۱۲۱ شده و آن ایجاد شرایطی برای افسران نظامی از جهت مذهبی و اخلاقی می‌باشد و مهمتر از همه آن که خواستار آن است تا قوای مسلح زیر نظر فقیه عادل باشد. این امر در مورد قوه قضاییه به شکل انحصاری درآمده و معتقد است که کلیه وظایف قوه قضائیه جزء وظایف فقیه عادل است. (جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۳/۳۰، ۴)

در مورد اصل ۷۵ پیش‌نویس برای نخستین بار از فقیه عادل آشنا به حوادث و مسائل روز به‌عنوان بالاترین مقام رسمی کشور سخن به میان آورد و معتقد بود اداره کشور را شورایی مرکب از ۳ یا ۵ نفر محول کند که زیر نظر او (مجتهد) انجام وظیفه کنند. که در این صورت کشور از استبداد و دیکتاتوری محفوظ‌تر است و تفویض کشور به یک رئیس‌جمهور بدون در نظر گرفتن ولایت و حکومت فقیه عادل، سبک حکومت غربی است. (اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۲، ۲)

آیت‌الله منتظری در خصوص تساوی زن و مرد «در برابر قانون» پیش‌نویس، با ارجاع آن به اصول اسلامی خواستار افزودن عبارت «مگر در مواردی که اسلام بر حسب اقتضاء و استعداد ذاتی برای هر کدام حکم خاصی قرار داده باشد». بدین صورت با اصل تساوی زن و مرد در برابر قانون به صورت مطلق مخالفت نمود.

ایشان به صورت گسترده‌ای بحث شورای نگهبان را مورد توجه قرار داده و سخنان بدیعی از موضع اندیشه سیاسی شیعی ارائه می‌کند که کارکردهای جدیدی به غیر از کارکردهای پیش‌نویس بر آن مترتب است. وی می‌گوید: «اولاً ذکر نشده این شورا در مجلس حضور دارد یا نه؟ ثانیاً مکانیزم مشخصی جهت جلوگیری از قانون خلاف اسلام از طریق شورا پیش‌بینی نشده است؛ ثالثاً ضرب‌الاجل یک ماه را برای شورای نگهبان و رابعاً عدم امکان تغییر و اصلاح قانون پس از عودت به مجلس؛ خامساً عدم توازن عددی بین حقوق دانان و شورای نگهبان ذکر کرده، که موجب عدم توازن عددی برای رأی‌گیری به نفع مجتهدان است».

نکته مهم و در خور توجه آن‌که: «اگر خود مراجع تقلید قوانین مصوبه را بر خلاف اسلام تشخیص دهند ولی شورای نگهبان سکوت کنند نظر مراجع تقلید بی‌ارزش خواهد بود».

اشکالی که در قانون اساسی مشروطه نیز به تصور وی وارد بود و می‌افزاید: «قانون اساسی باید طوری تنظیم شود که مراجع تقلید و فقهای عادل که محور حکومت هستند در قوانین نقش اساسی را ایفا نمایند. حال آن‌که در پیش‌نویس نقشی در قوانین و اداره کشور ندارند». (جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۳/۳۰، ۴)

بدین ترتیب آیت‌الله منتظری با نقد پیش‌نویس، اساس جدیدی را در تنظیم و تدوین قانون اساسی پی می‌ریزد که بعدها در مجلس خبرگان به طور گسترده مورد توجه نمایندگان که عمدتاً از روحانیون بودند واقع شد. منتظری علاوه بر کارکرد مذهبی این رویکرد یک وجه سیاسی دیگر را که به طور گسترده مورد توجه انقلابیون نیز بود، ذکر می‌کند و آن پرهیز و دوری از استبداد و دیکتاتوری بوئژه توسط رئیس‌جمهور است فلذا از موضع حکومت آرمانی شیعی می‌گوید: «اگر بناست حکومت اسلامی در کشور برقرار باشد حکومت اسلام در زمان غیبت از شئون فقیه عادل است و اگر خود او ریاست‌جمهوری را بپذیرد چه بهتر و گرنه رئیس‌جمهوری زیر نظر او انجام وظیفه کند». (جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۳/۳۰، ۳)

یکی دیگر از روحانیون فعال در زمینه قانون اساسی آیت‌الله مکارم شیرازی بودند که مصاحبه‌ها و مقالات زیادی را در این زمینه داشتند. ایشان دو نوع ایراد بر پیش‌نویس قانون اساسی بیان کردند: از نظر محتوای اسلامی و از نظر محتوای اجتماعی و حقوقی.

ایشان از نظر محتوای اسلامی معتقد بودند: «۱. در این پیش‌نویس هیچ‌گونه تضمینی برای پیشگیری از قوانین ضد اسلامی دیده نمی‌شود؛ ۲. این پیش‌نویس برای روحانیت نقشی قائل نشده است؛ ۳. برای نظارت فقیه بر مسائل اجرایی کشور چیزی پیش‌بینی نشده است؛ ۴. به جز ده اصل اول (اصول کلی) در اصول دیگر کمتر اثری از الهام اسلام است؛ ۵. برای رئیس‌جمهور حرفی از مذهب زده نشده است».

از نظر محتوای اجتماعی و حقوقی ایشان معتقد بودند: «۱. درباره رسانه گروهی (صدا و سیما) اصول کم آورده شده است و باید تحت نظارت مشترک سه قوه باشد؛ ۲. در مورد حمایت از مستضعفان و طبقات کم درآمد در این پیش‌نویس به اندازه کافی اهمیت داده نشده است؛ ۳. سیاست کلی و خطوط اصلی مسأله مالکیت زمین‌های بزرگ در این پیش‌نویس مشخص نیست؛ ۴. به مسأله استقلال دانشگاه و اصول مربوط به دانشگاهیان، حتی به صورت یک اصل کلی قوانینی پیش‌بینی نشده است؛ ۵. در مورد ارتش تنها به همین قناعت شده که ارتش جمهوری ایران پاسداری از استقلال و تمامیت ارضی کشور را بعهده‌دارد ولی هیچ تأکیدی روی لزوم تقویت ارتش در تمام زمینه‌ها از نظر معنوی و روحی و از نظر ظاهری با الهام از دستورات اسلامی نشده است». (جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۳/۳۰، ۳)

آیت‌الله صدوقی طی مصاحبه‌ای بر طرح همه‌جانبه ولایت فقیه در قانون اساسی اصرار ورزید و حکومت آینده ایران را بدون آن فاقد اعتبار دانست. (کیهان، ۱۳۵۸/۴/۲۴، ۲)

سیدمحمد خاتمی در مقاله‌ای با عنوان «قانون اساسی و خطر جنگ داخلی» ضمن اعتراض به در اقلیت بودن فقها در شورای نگهبان پیشنهاد کرد که تعداد آنان به هشت نفر افزایش یابد. ایشان همچنین استدلال کرده که چنان‌چه

بین دولت و مراجع دوگانگی باشد، مانند زمان قبل از انقلاب بار دیگر مردم متدین دور علما جمع خواهند شد و از آنان پیروی خواهند کرد و در صورت مخالفت دولت با علما احتمال جنگ داخلی وجود دارد. بنابراین چون رأی شرعی بر هر چیز حاکمیت دارد، لازم است فقها بر دولت حاکمیت داشته باشند تا دوگانگی ایجاد نشود. و همچنین در مصاحبه‌ای بیان کرد: «در پیش‌نویس آنچه که نیست اسلام است، یعنی همان چیزی که بختیار می‌خواست، حکومت جمهوری به جای پادشاهی». (اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۲۱، ۲)

شیخ‌فخرالدین حسینی یکی از رهبران دموکرات کردستان طی مصاحبه‌ای گفت: «۱. در مورد مذهب رسمی ایران که در پیش‌نویس آمده است (اسلام و مذهب جعفری) به نظر من می‌بایست ذکر شود مذهب ایران اسلام است؛ ۲. در مورد حق خودمختاری هیچ‌گونه شرحی داده نشده است». علامه احمد مقنی‌زاده، رهبر حزب مساوات اسلامی کردستان نیز طی تلگرامی به امام‌خمینی، نسبت به انتخاب مذهب رسمی کشور در پیش‌نویس اعتراض کرد و گفت باعث تفرقه می‌شود. همچنین حدود یکصدوده نفر از علمای حوزه علمیه قم طی طوماری خواستار درج ولایت فقیه در قانون اساسی شدند. و همچنین اعلام کردند قانون اساسی دوره مشروطیت به مراتب اسلامی‌تر از پیش‌نویس فعلی می‌باشد. آنان همچنین تأکید کردند که ملت عالی‌ترین مقام کشور را جزء در مرجعیت شیعه نمی‌داند. (اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۲۱، ۴)

به طور مشخص در شماره ۳۶ روزنامه جمهوری اسلامی در ستون ثابت آن تحت عنوان «قانون اساسی و مردم» پیامی از طرف گروهی از فضایی حوزه علمیه قم در خصوص نقد پیش‌نویس قانون اساسی انتشار یافت. این گروه برای نخستین بار در قالب نوزده بند و اصل مشخص حدود اختیارات را برای ولی فقیه به‌عنوان پیشنهاد تعیین نمودند؛ ضمن اینکه درخواست کردند بعد از فصل دوم پیش‌نویس، فصل سومی تحت عنوان مقام رهبری و ولایت ذکر شود. نکته مهم آن‌که این اصول تقریباً همگی در مجلس خبرگان به تصویب رسید. بویژه بندهای نوزده‌گانه به گونه‌ای در اصل ۱۱۰ قانون اساسی لحاظ شده بود. سیدکاظم حائری از شاگردان برجسته آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر سالها بعد در یک مصاحبه تلویزیونی اعلام نمود: «که در استانه انتخابات مجلس خبرگان درس خارج خود را تعطیل و با گروهی به تدوین موادی در مورد ولایت فقیه پرداخته است. وی مدعی است که بسیاری از این پیشنهاد در متن نهایی قانون اساسی لحاظ شده است». (اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۲۱، ۴)

در نظر مدافعین ولایت فقیه، چون فقیه از جانب خدا عمل می‌نمود، تصور اینکه به دیکتاتوری دچار شود اشتباه بود. در واقع تصور آن بود که فقیه برای نجات مردم از مردم‌فریبان و مستبدان، در امور حکومتی دخالت کرده و خود به دلیل تکیه بر عدالت و تقوای درونی گرفتار استبداد نمی‌شود و در مقابل مخالفان به عدم یافتن چنین فقیهی در همه زمان‌ها اشاره کرده و معتقد بودند که اگر فقیه مرتکب یک خطای فاحش شود، به لعن و نفرین علما و بدنامی تشیع منجر خواهد شد (حسینی‌زاده، ۱۳۸۹، ۳۰۰).

جبهه ملی در استانه پیروزی انقلاب اسلامی آخرین تلاش‌های حزبی خود را در انتخابات مجلس خبرگان به اتمام رساند. این سازمان سیاسی به دنبال انتشار پیش‌نویس قانون اساسی طی یک جزوه ۲۵ صفحه‌ای در مرداد ۱۳۵۸ نقد خود را پیرامون پیش‌نویس ارائه نمود. در مقدمه این نقد جبهه ملی با تشریح سیر اندیشه این جبهه پیرامون قانون اساسی جدید، برای نظام حکومتی جدید ایران می‌گوید: «جبهه ملی ایران نیز از قبل در نظر داشت رأساً اقدام به تهیه قانون اساسی جدید ایران بنماید و ... صاحب‌نظران را مامور تهیه طرح اساسی نمود».

سپس به بیان توضیحاتی پیرامون علت انصراف جبهه از تدوین پرداخته و می‌گوید: «جبهه ملی سپس سعی خود را مصروف بررسی و اظهارنظر در مورد طرحی نمود که از طرف دولت موقت برای بررسی ارائه شده بود.» (جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۴/۲۱، ۴)

جبهه ملی در خصوص مواد پیش‌نویس و چهارچوب‌های کلی و اصولی مورد نظر، جهت تدوین قانون اساسی می‌نویسد: «گرچه نکات اصلی طرح (پیش‌نویس قانون اساسی) نمی‌تواند مورد قبول قرار گیرد و اکثر اصول آن چه از نظر فن قانون‌گذاری و چه از نظر محتوای مواد، باید مورد تجدیدنظر اساسی قرار گیرد ولی در صورت اجرای اصلاحات و تغییرات لازم چهارچوب و اساس طرح تنظیمی دولت می‌تواند با توجه به شرایط و اوضاع و احوال حاکم بر کشور مبنای مناسبی برای تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی قرار گیرد. گستره اصلاح مواد پیش‌نویس، چهار پنجم اصول قانون اساسی را در بر می‌گیرد. به طوری که در طرح اصلاحی جبهه ملی، ۹۹ اصل از مجموع ۱۵۰ اصل تغییر یافته است. در نتیجه ۷۷ اصل اصلاح، ۴ اصل حذف و ۱۸ اصل جدید به پیش‌نویس افزوده شده است.» (بامداد، ۱۳۵۸/۴/۲۷، ۲)

تغییرات انجام شده توسط جبهه ملی بر روی پیش‌نویس قانون اساسی در سه حوزه مشخص چنین قابل تقسیم‌بندی است:

۱. نخست تغییرات بنیادی مانند تغییر اصول مرتبط به شوراهای منطقه‌ای و اختیارات محلی و طرز انتخاب و اختیارات رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر؛
۲. دیگر اصلاحات اساسی در اصول و مواد موجود بدون تغییر محتوای اصلی به نحوی که از نظر قانون و یا اجرایی بدون اشکال بود و قابل انطباق با هدف‌های قانون اساسی باشد؛
۳. حذف عبارت زاید و نامناسب و اصلاح عبارات از نظر حقوقی و اصلاحات قانونی. (بامداد،

(۱۳۵۸/۴/۲۷، ۳)



حزب توده یکی از موثرترین احزابی بود در تدوین متن نهایی قانون اساسی در مجلس خبرگان بود زیرا اکثر اصولی را که پیشنهاد داده بود در متن نهایی مورد استفاده قرار گرفتند. که بیشتر این اصول در زمینه مسائل اقتصادی بود. این حزب با گشودن ستونی خاص در «روزنامه مردم» ارگان خود در حدود یک ماه نسبت به تبیین موارد پیشنهادی خود اقدام نمود. در واقع حزب توده برخلاف احزاب دیگر به جای نقد، به تدوین برخی از اصول مورد قبول خود در قانون اساسی پرداخت و همین موضوع در نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب درباره پیش‌نویس برخی از اصول قانون اساسی نمود دارد.

حزب توده در نامه سرگشاده خطاب به نخست وزیر دولت موقت می‌نویسد: «حزب پس از انتشار متن پیشنهادی (قانون اساسی) بلافاصله آن را مورد مطالعه قرار داده و نظریات و پیشنهادات تکمیلی خود را ارائه می‌کند. مقدمتاً به استحضار می‌رساند که پیش‌نویس طرح قانون اساسی آنچنان‌که در مطبوعات انتشار یافته در خطوط کلی خود خواست‌های مشروع و حقه مردم ایران را منعکس می‌سازد و از این جهت مورد تأیید کمیته مرکزی ما قرار گرفته است. پیشنهادهای مورد نظر حزب توده صرفاً مرتبط به مسائل عمده‌ای است که به نظر ما تصریح آن‌ها در قانون اساسی جمهوری اسلامی از لحاظ تثبیت دست‌آوردهای انقلاب و پیشرفت کشور در دوران سازندگی جامعه نوین نقش موثری ایفا خواهند نمود». (حزب توده ایران، بی تا، ۱۳۶)

پیشنهادات حزب توده که در هفت بند تنظیم شده بود و به اختصار در نامه سرگشاده آمده بود:

۱. در خصوص ضرورت ایجاد فصلی مشخص در قانون اساسی درباره نظام اقتصادی جمهوری اسلامی بیان می‌کند: نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایرانی بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی، خصوصی و برنامه‌ریزی منظم دولتی قرار دارد.
۲. در زمینه اصول اساسی سیاست خارجی نیز می‌گوید: سیاست خارجی جمهوری اسلامی بر پایه عدم تعهد، عدم شرکت در بلوک‌بندیهای نظامی و بر اساس حفظ صلح و امنیت همسایگان باید تنظیم شود.
۳. بند دیگر پیرامون حق حاکمیت ملی و قوای ناشی از آن می‌گوید: حاکمیت خلق از طریق مجلس شورای ملی و شوراهای محلی منتخب مردم اعمال می‌شود.
۴. در زمینه حفظ حقوق زنان می‌آورد: قانون اساسی حقوق کامل سیاسی، اقتصادی، اداری، مدنی و اجتماعی و فرهنگی زن را تضمین می‌کند.
۵. در بند دیگر درباره پارلمان و انتخابات مجلس شورای ملی پیشنهاد بدیعی دارد که علی‌رغم طرح آن در مجلس خبرگان از طرف برخی نمایندگان به تصویب نرسید و آن این‌که «کرسی‌های نمایندگی در سطح کشور و شورا به نسبت آرای که به هر یک از سازمان‌ها و احزاب شرکت کننده در انتخابات داده، توزیع شود.
۶. بند شش پیشنهادات حزب عمدتاً مربوط به بحث تأمین اجتماعی و حقوق کار بود و چنین عبارت‌پردازی شده بود که هر یک از افراد کشور حق کار کردن دارند و این حق باید بوسیله دولت تأمین شود.

۷. آخرین بند پیشنهادی حزب توده معطوف به نفی شکنجه و نظام حقوقی و قانونی بود. (حزب توده ایران، بی تا، ۱۳۷)  
 تمامی موارد فوق به استثنای بند ۵ در تدوین قانون اساسی نهایی انعکاس یافته است.

#### ۴- سازمان مجاهدین خلق ایران

سازمان مجاهدین خلق ایران در نقد پیش نویس قانون اساسی در چند مرحله و در خلال مباحث مختلف بدان پرداخت لیکن روشن ترین قسمت نقد طی مقاله ای در شماره سه نشریه مجاهد، تحت عنوان «روح حاکم در نظرگاه های ما در مورد یک قانون اساسی تراز مکتب اسلام» ارائه شد. دیدگاه سازمان در نقد پیش نویس چنین انعکاسی یافته است: «روح حاکم بر پیش نویس موجود قانون اساسی یک روح سرمایه داری غربی است».

سپس سازمان مجاهدین اصول کلی مورد نظر در خصوص یک قانون اساسی تراز اسلام را چنین بیان می نماید:

«۱. نظام شورایی تنها شیوه اسلامی اداره جامعه است؛ ۲. کار، معیار و مبنای ارزش اقتصادی است؛ ۳. زمین از آن کسی است که روی آن کار می کند؛ ۴. برابری کامل بین زن و مرد؛ ۵. آموزش رایگان؛ ۶. ملی کردن بیمه، بهداشت و طب؛ ۷. تلقی مستضعفین به عنوان تکیه گاه اجتماعی دولت اسلامی؛ ۸. رعایت حقوق ملیت ها در تعیین حق سرنوشت خود؛ ۹. بر پایی ارتش مردمی و ضد امپریالیست؛ ۱۰. صلاحیت دادگستری برای رسیدگی به کلیه جرایم؛ ۱۱. تضمین حقوق کار و حریم کارگاه ها؛ ۱۲- تأکید بر سیاست خارجی ایران بر مبنای عدم تعهد در چهارچوب غیر متعهدها». (مجاهد، ۱۳۵۸/۵/۱۵، ۶)

#### ۵- جنبش مسلمانان مبارز

این جنبش به رهبری دکتر حبیب الله پیمان طی چند بیانیه مواضع خود را در خصوص شرایط لازم جهت تدوین قانون اساسی در تاریخ ۵۸/۳/۲۹ و ۵۸/۵/۱۴ تشریح کرد و به طرح دیدگاه های خود پیرامون پیش نویس پرداخت. این گروه که از نزدیک ترین گروه های چپگرای مسلمان به اسلام گرایان کادر رهبری انقلاب بود ضمن طرح چهارچوب های کلی یک قانون اساسی ایده آل و برخاسته از انقلاب، انتظارات خود را از قانون اساسی فهرست کردند و در خلال آن مباحث اصولی اسلام گرایانه خود را بیان نمودند. جنبش در بیانیه مفصل و طولانی خود می گوید: «نخست آن که قانون اساسی باید بیانگر روح مکتب و اصول اساسی نظام توحیدی و تضمین کننده جهت حرکت جامعه به سوی ایده آل انسانی خود باشد. باید تجلی و ادامه مبارزه علیه امپریالیسم و به منظر و قطع وابستگی و مناسبات استبدادی و ارتجاعی باشد». بر این اساس دو اصل پیش نویس را چنین نقد می کند: «معتقدیم که طرح پیش نویس فعلی فاقد روح مکتب بوده و از تأمین هدف های فوق عاجز است». بدین ترتیب روشن فکران اصول گرای دینی و عالمان سنت گرای اسلامی در این نکته که پیش نویس فاقد روح مکتبی اسلام است توافق یافتند. از سوی دیگر در بیان قانون اساسی خود و نقد پیش نویس می گویند: «در مقدمه و در بخش

کلیات و اصول اساسی باید خصوصیات و اصول پایه جامعه توحیدی... با صراحت اعلام شود». (امت، ۱۳۵۸/۵/۱۷، ۷)

موضع اعلام شده جنبش مسلمانان مبارز را باید نزدیکترین مواضع در تحولات آتی پیش‌نویس قانون اساسی در مجلس خبرگان تلقی کرد که توسط نوگرایان دینی در مجلس خبرگان دنبال شد. این گروه اسلام‌گرا که اندیشه‌های سیاسی ابراز شده آن بسیار به مواضع دکتر شریعتی در کتاب امت و امامت بویژه در رهبری سیاسی آن نزدیک است، از معدود گروه‌های اسلام‌گراست که به صورت کاملاً روشنی به بحث امامت به‌عنوان یکی از ملاحظات اساسی در تدوین قانون اساسی پرداخته است. (امت، ۱۳۵۸/۵/۲۴، ۴)

این گروه یکبار دیگر به دنبال ناکامی در انتخابات مجلس خبرگان و بازماندن رهبران آن از دست یافتن به کرسی‌های نمایندگی مجلس خبرگان طی اطلاعیه‌ای مشترک با گروه‌های ائتلافی پنج‌گانه جنبش، جنبش انقلابی مردم مسلمان ایران، سازمان اسلامی شورا و سازمان مجاهدین خلق ایران اصول دوازده‌گانه‌ای را جهت لحاظ نمودن در تدوین نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ارائه نمودند نکته در خور توجه آن‌که در بیانیه مذکور دیگر بخشی از اصل امامت وجود ندارد. (امت، ۱۳۵۸/۵/۱۷، ۴) و احتمالاً این امر ناشی از رشد بحث ولایت فقیه در میان سیاست‌گذاران انقلابی ایران باید تلقی شود.

نکته قابل تامل در خصوص جنبش، استفاده یکسان از ادبیات نوگرایانه دینی بود که در مجلس خبرگان نیز مخاطبان خاص خود را داشت. این گروه در ۶ تیر ۵۸ در آستانه انتخابات در یک تحلیل عمیق، طرح و ملاحظات کلی جنبش مسلمانان مبارز درباره قانون اساسی جدید جمهوری اسلامی را ارائه نمود که ادبیات به کار گرفته شده با مقدمه قانون اساسی و بخش کلیات آن شباهت فراوان دارد.

## نتیجه‌گیری

در تصویب نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مشورت و تقابل تمامی نحله‌های فکری و نیروهای موثر در به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی ۵۷ مشهود است. اما با عنایت به رهبری دینی انقلاب، توفیق و ظل اندیشه اسلامی بر سراسر قانون اساسی گویای آن است که در تعاطی و تقابل نحله‌های گوناگون اندیشه‌گی، گوی توفیق از آن اندیشه اسلامی است که از نیای خود (مشروع‌خواهی) در صدر مشروطه متأثر بوده است. اندیشه سیاسی اسلام یا اسلام سیاسی در عصر مشروطه با زعامت شیخ فضل‌الله نوری موجب انشعاب از مشروطه‌خواهی در آن عصر گردید که در نهایت رویدادهای سیاسی آن عصر و دهه‌های پس از آن و متروک ماندن اصولی مانند اصل دوم متمم قانون اساسی مشروطه که معروف به اصل تراز و محصول سعی مجاهدانه‌ی شیخ شهید بود موجب گردید تا آمال مشروع‌خواهی بصورت بغضی طی دهه‌های دوران پهلوی باقی مانده و مرعی نمودن قانون اساسی مشروطه نیز در عمل، خلاف ذات خود باشد. در واقع مشروع‌خواهی عصر مشروطه در کالبد تازه اسلام‌خواهی حلول نمود. سازگاری دو اندیشه‌ی مشروطه و مشروع در جلوه و نمود تازه‌ی جمهوری‌خواهی و اسلام‌خواهی به واسطه‌ی ظهور روشنفکران دینی مورد تعامل قرار گرفت. با ظهور نواندیشان دینی -متأثر از آن دسته از روشنفکران عصر مشروطه که در پی هم‌پوشانی یا استنتاج اصول مشروطه از منابع دینی بودند- و هم‌داستانی ایشان با روحانیت شیعی ملهم از آموزه‌های اسلامی شیخ فضل‌الله نوری و نیز با ورود آموزه‌های مارکسیسم که در آن عصر انقلابات بزرگی را در جهان رقم زده و توانسته بود در ایران نیز جمعیت قابل توجهی را جلب و جذب نماید، همچنین گروه‌های التقاطی که در پی معجونی بدعت‌آمیز از آموزه‌های سوسیالیسم و اسلام بودند؛ جملگی انقلابی را سامان دادند که در نهایت چنانکه شرح آن رفت، اثر هر یک از این گروه‌ها در متن نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مشهود و آشکار است اما در نهایت توفیق نحله فکری دینی اسلام و تشیع با محوریت ولایت مطلقه فقیه و با پشتیبانی و حمایت قاطبه مردم نقش غالب را در تعاطی و تقابل در تدوین قانون اساسی داشته است. اندیشه دینی برآمده از فقاہت شیعه که زعامت و ولایت بر مردم را در زمان غیبت امام زمان (عج) را حق فقیه جامع‌الشرایط می‌داند، منطبق با اصالت‌های دینی و فرهنگی مردم ایران بوده و توفیق این اندیشه بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محصول تجربه‌ی دو انقلاب بزرگ و ثمره‌ی مجاهدت رهبران دینی و خون‌ده‌ها هزار نفر انسان آزاده است که دو اصل جمهوریت و اسلامیت را در تعامل با یکدیگر، به سازگاری، تعامل و توازن رسانده است.

## منابع

## کتاب

- جلالی، محمد(۱۳۹۸)، حقوق عمومی از تنظیم قدرت تا تضمین حق‌ها، تهران: خانه اندیشمندان علوم انسانی.
- حسینی‌زاده، سیدمحمدعلی(۱۳۸۹)، اسلام سیاسی در ایران، قم، انتشارات دانشگاه مفید.
- خجسته رحیمی، رضا(۱۳۸۷)، «احمدآقا طرف روحانیت بود»، گفتگو با سیدصادق طباطبایی، هفته‌نامه خبری-تحلیلی شهروند امروز، سال سوم، شماره ۴۹.
- خمینی، روح‌الله(۱۳۷۸)، صحیفه امام، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- شادلو، عباس(۱۳۸۶)، از انقلاب اسلامی تا پیروزی، تهران: نشر مولف.
- شریف‌شاهی، محمد(۱۳۹۹)، بر بن مشروطیت، تهران: نشر نگاه معاصر.
- صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی(۱۳۶۴)، جلد ۱، تهران: اداره کل روابط عمومی مجلس شورای اسلامی.
- قلفی، محمد وحید(۱۳۸۴)، مجلس خبرگان و حکومت دینی در ایران، تهران: چاپ و نشر عروج.
- گرچی‌ازندریانی، علی‌اکبر(۱۳۹۹)، بازنگری قانون اساسی، تهران: نشر نگاه معاصر.
- مسعودی، علی(۱۳۹۹)، مشروطه ایرانی و مساله قانون، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- منتظری، حسینعلی(۱۳۹۰)، انتقاد از خود، قم، انتشار در سایت اینترنتی آیت‌الله منتظری.
- هاشمی رفسنجانی، علی‌اکبر(۱۳۸۳)، انقلاب و پیروزی (کارنامه و خاطرات سالهای ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ هاشمی رفسنجانی)، به کوشش: عباس بشیری، چاپ اول، تهران: دفتر نشر معارف انقلاب

## روزنامه‌ها

- (کیهان، ۱۳۵۸/۳/۴، ۴)
- (جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۳/۳۰، ۲)
- (جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۴/۳۱، ۲)
- (جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۴/۳۱، ۲)
- (جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۴/۲، ۲)
- (جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۳/۳۰، ۲)
- (جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۳/۳۰، ۴)
- (اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۲، ۲)
- (جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۳/۳۰، ۴)
- (جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۳/۳۰، ۳)
- (جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۳/۳۰، ۳)
- (کیهان، ۱۳۵۸/۴/۲۴، ۲)
- (اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۲۱، ۲)
- (اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۲۱، ۴)
- (اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۲۱، ۴)
- (اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۲۱، ۴)
- (جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۴/۲۱، ۴)

(بامداد، ۱۳۵۸/۴/۲۷، ۲)

(بامداد، ۱۳۵۸/۴/۲۷، ۳)

(حزب توده ایران، ۱۳۶)

(مجاهد، ۱۳۵۸/۵/۱۵، ۶)

(امت، ۱۳۵۸/۵/۱۷، ۷)

(امت، ۱۳۵۸/۵/۲۴، ۴)

(امت، ۱۳۵۸/۵/۱۷، ۴)